





سازمان جوانان حزب توده ایران

حزب توده ایران

چه میخواهد؟

هر قوه ای که در اجتناب میباشد از خود توده گرفته شده است کسانی که دستان توده هستند از این قوه ها برای سرکوبی توده استفاده مینمایند ولی توده میتواند آنها را در دست خویش گرفته در راه آزادی بکار برد. شما از برق سربزه سربازها میتربسید ولی فکر کنید که سربازها چه کسانی هستند. آنها همان بزرگانی هستند که از مزه های خویش دست کشیده، افراد زراعت را کنار گذاشته تنگ بر دوش گرفته اند، آنها همان کارگرانی هستند که با زوری خویش را در اختیار ارتش گذاشته اند، آنها سربازهای آموخته اند تا از خانواده خویش، از وطن خویش، از منافع خویش و برادران خود بترسالی کنند. دفاع کنند. پس چه دلیل دارید که بروی هنکاران و برادران خود تیر خالی کنید؟ آنها باید بدانند که منافع آنها و بزرگان و کارگران با یکدیگر مشترک است. اگر امروز بر ایران خود توری بزنند و جنبش های آنها را خاموش سازند و حقوق آنها را پایمال کنند خودشان در آینه دارای حقوقی نخواهند بود و دیگر برای بدست آوردن وسائل زندگی و آسایش خود نمیتوانند دست و پایی بکنند و اگر بکنند پشتیبانی نخواهند داشت.

مثلا اگر امروز شما بدست سرباز میوه و خشکبار و هنکاران و برادران شما برای کاشت ممالک های ارتش یا بر علیه ممالک های مالکین بزرگ دست بیاورید میزنند هر گاه شما در اثر تیریک دیگران آنها را سرکوب کنید و صدای آنها را با صدای توپ و تفنگ خاموش سازید و نگذارید حق خویش را بدست آورده فردا که لباس سربازی را از تن بدری آورید و بزرزه خویش بر میگردد میخورید میان ممالک های سنگین و آن ظلم های کمر شکن تن در دعبه و صر خود را در مشت بگردانید.

مخاطران هست که در دوره گذشته چه بلایی بر سر سربازان می آورده؛ سرباز در بدست ترین زندگانی با رنج بسیار بسر میبرد، سرباز حق حیات نداشت و بسیار اتحاف می افتاد که در زیر چکمه زورگوان جان می سپرد، سرباز مثل اینکه از زیر به بسل آمده باشد مجبور بود پدر و مادر و خانواده خویش را فراموش و احساسات خویش را رها کند، سرباز از دواب ارتش کسر قیمت داشت، سرباز بیشتر از دواب ارتش تحصیل رنج مینمود، مفضل آنکه سرباز دارای هیچگونه حقوقی نبود.

مذلل که قدرت هیچگونه جنبشی و اعتراض نداشت. چرا برای اینکه وسایل اسارت و بندگی او را بدست خود فرام آورده بودند، برای اینکه او را بدست رفقای همدردی توری می زدند؛ برای اینکه ملت ایران از دست همین سربازها بگذری توری خورده بود که دیگر نمیتوانست و نخواست از آنها بپوشد پشتیبانی کند.

حکایت آن مرد منور را شنیده اید که اسیران خود را بدست خود آنها هلاک کرد. وقتی که منورها بسالک متدن هجوم آوردند بقدری وحشیگری بخرج دادند و کشت و کشتار کردند و بقدری مردم را ترسانند که میگویند اگر یک کلاه مغولی هم میان یک جمعیت پیدا میشد تمام جمعیت از آن فرار میکردند. در چنین احوالی یک نفر منور در سیاهان بدست ای از مردمان فراری برخوردار فرارای بقدری وحشت زده شدند که دست و پایی خود را گم کردند بر جایی خود مجبور ماندند. منور با آنها نزدیک شده گفت من نمیتوانم همه شما را بکشم، شما در این موقع از من بگریه و دیگرا را سر برید. آن دو نفر اطاعت کردند و رفقای خود را که از ترس درجای خود خشک شده بودند با دستهای لرزان سر بریدند. آن وقت آن منور کارها را از آنها گرفت و آنها را بر قالی خود ملحق گردانید.

مثال ما مستکشان با طبقه زورگو نیز همینطور است. طبقه زورگو از جهل و نادانی و از ترس ما استفاده میکند و ما را بدست یکدیگر هلاک میسازد اما اگر از این جهالت بیرون آییم و ترس بی جهت را کنار بگذاریم و از برادر کشی دست برداریم با کمال آسانی میتوانیم هر این یک مشت مردم زورگو را از سر خود دور کنیم.

ما باید سربازها را حالی کنیم که آنها هم مثل ما گرفتار رنج و مشقت اند، آنها آلت دست دیگران قرار گرفته اند، هرگز نباید بروی برادران خود شمشیر بکشند، آنها باید قوای خویش را برای نبرد با دشمنان توده - که خودشان در جزو آن هستند - بکار برند.

همین پاسبان که این قدر علاقه دارد که مردم بیچاره را بر زور خوب قانون بکسارند و بکشند از جهالت اوست. او فکر نمیکند که او هم بدبخت است، او هم وسایل زندگانی ندارد، او هم در زیر ظلم های دیگران کمرش شکسته است او باید با سایر مستکشان متحد شود و برای گرفتن حق خود اقدام نماید. مگر او که بی سواد بار آمد از خیابان جامه نبود، مگر او که بزیرک متعجب شد از بیچارگی نبود، مگر او که مجبور است انگل این و آن شود بر اثر فقر و فلاکتش نیست، پس چرا در صدمه چاره بر نمی آید و با توده در گرفتن حق حیات خویش همدست نمیشود؟

آیا میدانید که وظیفه سرباز جز دفاع توده و وظیفه پاسبان جز حفظ آرامش توده چیز دیگر نیست؟

آیا تصور نمیکند که ما میتوانیم باین طریق مصلحت سربازها و پاسبانها را با آنها حالی کنیم و آنها را از مخالفت با آزادی باز داریم؟

من با آنچه شما شرح دادید کاملا موافقم ولی آیا خواهند گذاشت که صدای شما بگوش توده برسد، باید از مرتجین و مخالفین آزادی مانع شد. آنها همیشه بر علیه شما متشول اقدامات هستند. شاید نگذارند شما با توده تماس پیدا کنید. شاید نگذارند افکار شما در میان توده رواج یابد. «نام»

آگهی مناقصه

اداره مستقل کل کارپردازی دارایی حکاکی کله (دارایی) زا روی کلیه تلفون و بازرشهای موجوده در ادارات وزارت دارایی مناقصه میگذارد داوطلبان پیشنهاد خود را با مبلغ یک هزار ریال وجه نقد بنام سربده تا روز شنبه ۲۲۳۱۴۴ باین اداره تسلیم دارند. پیشنهادات واصله در روز شنبه ۲۲۳۱۴۴ به سلامت قبل از ظهر در کمیسیون خرید باز و خوانده خواهد شد حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه مناقصه آزاد و اداره دردد و با قبول پیشنهادات مختار خواهد بود. رئیس اداره مستقل کل کارپردازی دارایی مصطفی ناصر ش - ۳۰۰

نخستین کنگره انس ایالتی

حزب توده ایران در خراسان

نخستین کنگره انس ایالتی حزب توده ایران در خراسان که بر طبق نظامنامه حزب ماسی بکسریه تشکیل میشود روز جمعه نهم اردیبهشت از ساعت ۸ صبح تا ساعت ۱۲ (یک ساعت بعد از ظهر) ادامه داشت نمایندگان حوزه هالک برای شرکت در کنگره انس انتخاب شده بودند با نظم و ترتیب مخصوصی سر جای خود قرار گرفتند پس از اجرای مقدمات و انتخاب هیئت ریزه کنگره انس نخستین کنگره انس ایالتی بشرح زیر اجرا شد:

- ۱ - قدیم اسطغای کیت ایالتی سابق
- ۲ - گزارش تفصیلات حزبی توسط آقای محمد پروین گنابادی
- ۳ - گزارش راجع با مومالی حزب بوسیله آقای علی اصغر مینیان
- ۴ - سخنرانی راجع بوضیعت اقتصادی و سیاسی خراسان از نظر خط مشی آتیه محلی حزب توسط آقای باقر علملی
- ۵ - سخنرانی آقای محمود بقرامی راجع بر برنامه و نظامنامه حزب و اخذ رأی راجع به بزرگ از موماد پیشنهادی
- ۶ - انتخاب اعضای کیت ایالتی برای مدتی
- ۷ - انتخاب اعضای کمیسیون تقیض برای مدتی
- ۸ - انتخاب نمایندگان کنگره حزبی
- ۹ - تصمیم راجع به مغایره تلگراف بکسریه مرکزی و نشر بیانیه از طرف کنگره انس.

ساعت ۱۳ نخستین کنگره انس ایالتی حزب توده ایران در خراسان با شور و هیجان نمایندگان و کف زدن های مست با موفقیت هسای کامل خاتمه یافت. از این شماره مرتباً سخن رانیها نیرا که در کنگره انس ایراد شده انتشار خواهیم داد.

گزارش تشکیلات

سخنرانی آقای پروین گنابادی

رفقا! انتظار میکنم که ماموریت افتتاح نخستین کنگره انس حزبی خراسان بن و اگذار شده و با اینکه خود را لایق این ماموریت نیدانید تکلیف رقا را از لحاظ انضباط حزبی با نهایت مباحث پذیرفته سیاستگذاری میکنم. قبل از شروع گزارش خودم از سه حصار تقاضا میکنم بیاس احترام و تقدیر فدائیان و شهیدای راه آزادی توده ایران مخصوصاً بزرگواران خودتان دکتر ققی ازانی برای غایت دو دقیقه سکوت اختیاری کنیم. . . . .

اکنون جریان یکساله حزب را گزارش میدهم. سه ما می دانیم که در نتیجه تحول شهریور ۳۲۰ دستگاه پوهالی و پوسیده حکومت دیکتاتوری رضا خان ناگهان منسوخ شد و حاکمیت طبقه مرم را که بنرتر سر نیزه شاه و دستکاری رژیم پلیسی گوری اکثریت را می فرستادند از کرد. حکومتها می که پس از هزیت شاه سابق بروی کار آمده بود بکسریه انضباط و حوادث داخلی و خارجی ناچار شدند رژیم ایران را دمکراسی معرفی کنند. آنها مجبور شدند زندانیان سیاسی را آزاد سازند، تبعید شدگان را با وطنشان بازگشت دهند آزادی اجتماعات و قلم را که ۲۰ سال از توده سلب شده بود اگر چه نسبی هم باشد باز دهند.

نتیجه این تحول مبارزه دو طبقه بزرگ را خواهی خواهی ایجاد کرد طبقه سعه دیده زحمتکش ایران از دهقان گرفته تا کارگر و مستخدم و روشن فکر و پیشه ور چشمان خواب آلود خود را باز کردید و بگر بدست آوردن حقوق پایمال شده خود افتادند همه ستمدینان و تمام کسانی که حیقه آزادی و حقیقت بودند متوقف را مناسب شمرند که با تشکیل دادن جبهه واحدی در مقابل اجتماع و مستحکمی خود علم کنند و توده ملت را از گرداب هائل فقر و زورگویی نجات بخشند.

این عوامل حزب توده ایران را نصیحت در پابخت و سپس در اغلب نقاط کشور بوجود آورد

از طریقی آزمندانی که در مدت ۲۰ سال حکومت قلدری تسوده نجیب ایران را آواره کرده بودند و در سایه فمال ماباشی شاه میلیونها تروت را بکلاسهای و رشوه و فلانگری در بانک ها گرد آورده نصرها و املاک و مستلالت بی - شاری بدست آورده بودند از این نهب توده ای و ملی و هراسناک شدند آنها که بجز حاکمیت اقلیت غاصبی بطرز حکومت دیگری قائل نیستند. آنها که طبقه زحمتکش را بنزله ابراز کار تصور میکنند، آنها که دهقانان را «رعیت» و کارگران را «اصلا» محاط میسازند و برای این گروه مولد تروت بجز بردگی و اسارت اینی حقوق دیگری قائل نیستند از لفظ دمکراسی با کموت ملت و اکثریت ستمت برخوردارند و برای معواین جنبش طبیعی که مولد سازمان غلط و دستگاه فرمانروایی ظالمانه خودشان بود بصف آروایی و تبعیض قوای غوه آغاز کردند و بالتبع مبارزه میان دو طبقه بطور جدی محصور شد.

پس رقا ملاحظه میفرمایند که حزب توده ایران ساخته دست یک پانچون تن بخصوص برای اطفاف تابلات شخصی و فامیلی نیست. حزب توده ایران نهادی چنانکدار توده های عظیم طبقه مظلوم و محروم این کشور است که جریان یک حاکمیت فاسد و زنگ زده آنرا ایجاد کرده است و ما هزارها رفقای دیگرمان که گرداگرد این جمعیت حلقه زده ایم در دوزخ لوی مقدس این حزب اجتماع نو و سازمان معکم خود را بنیان نهاده ایم بایندهای بنیاد و باینکه حرم خلل ناپذیری راهی را میسپاریم که تکامل حقیقی ملی و جریان تاریخ ما را به پیوند این راه ملزم میکند.

رفقا ما بوقیعت تاریخی و مسئولیت بزرگ اجتماعی خود بوعوی و از روی فهم درست بی برده ایم مایندیم که توده زحمتکش و روشن فکر ایران در انتظار مبارزه عادلانه است.

چشمهای ما در هر گام منظره های دلخراش صدمه ما در این برادران و کودکان محروم را که در نتیجه نظام خود سران و آزمندان دیو صفت در صیاه چال فقر و جهل و بیماری دست و پانچونده شده اند.

گوشهای ما در آن ناله های جانسوز غرق شدگان دریای ملت و سرمان را میشوند معرکه ماضی هاست ما برای نجات این توده بی پناه بدون ذره ای هراس و از روی ایمان پاک و اراده محکم قدر افراشته ایم و در راه هدف مقدس خود هرگز ناچیز نمیسازیم دشمنان ما نیز باین هدف و خط مشی ما می بردند و رای همین منظره های و از روی شتاب و سرکشی پانچون قدرت و وساطتی که در

ما و فرانسه

بینه از منته اول

مشکل آزادی را همیشه در دست داشته و نام این ملت و نه زبانها است و در نظر، ارض بزرگی را و ادا است، این ملت ملت فرانسه است.

چرا ما مشق بضموس ملت فرانسه داریم؟... آسایشات با عاطفه ما را اواردار کرده... یا اینک مصلحت و رعیت است؛ این سوالی است که سیکری میخوانند جواب آنرا بداند مخصوصاً دوستان منومو پاک بندهار.

مجاوب آنرا با کمال سادگی می دهیم و میگوئیم که این مسئله در آن واحد از لحاظ احساسات و سیاست و رعیت و میل و لول فیل از هر چیز ازلعاطفه ملت لزوم دارد.

میبین ما سوریه و لبنان و امیدارد که با ملت فرانسه بسازیم. ولی باید پیش از هر چیز بگوئیم که فرانسه را در احوال ایستادگاری مانند لاوال و پتن و فرود یا هر کسی تا به آن باشد میشناسیم و ما هرگز یک فرانسه روسی را نشناختیم زیرا پشتیبانی دولت تغییر پذیرند ولی ما ملت فرانسه را میشناسیم. آن تغییر پذیر نیست چنانچه استالین میگوید اگر خواستیم از فرانسه نام ببریم میگوئیم فرانسه کارگر، زحمتکش، روشنفکری گوئیم ملت فرانسه در گذشته و اکنون و آینده.

هر ملتی که حائق آزادی است بسوی ملت فرانسه میگردد:

ایلیا و روبرت نویسنده مشهور شوروی هنگامیکه راجع بکارگران استالینکرا د مینوسه یاد از کارگران پاریس مینماید تاریخ ملت فرانسه در آزادی فکر محتاج به بیان نیست انقلاب و شورهای فرانسه بر ضد مستحکمی و بندگی لازم بشکرار نیست کدام دانش آموزی در کدام دبستانی از دبستانهای دیاندر روسیه انگلستان، آمریکا و تمام قاره هالاقاب بزرگ فرانسه را نتوانند است آن انقلابی که زارع را زمین داد و حقوق انسان را اعلام نمود و اساس دمکراسی و جمهوریت را بر پا ساخت.

هر کسی تاریخ فرانسه را بداند می داند که کمالیت فرانسه چه تأثیری در سرنوشته اروپا و تمام دنیا دارد. شورهای ۱۸۴۸، ۱۸۴۹، ۱۸۷۰ و ۱۸۷۱ فرانسه همیشه مقدمه شورهای دیگری مانند آن در تمام ممالک اروپا بود.

همین گذشته توده را بکنیم. ملت فرانسه، و کارگران پاریس همانا هستند که دنیا را در سن ۱۹۳۶ درس مپی دادند که فراموش شدنی نیست آنها با دادند که چگونه از خطر فاشیسم باید جلوگیری کرد. اگر کارگران تمام اروپا مخصوصاً کارگران آلمان مانند کارگران پاریس عمل نمیشدند هیتلر و هینریش اصلا وجودی نداشتند و اروپا اینگونه زیر بوغ بندی فاشیسم ناله نمیکرد.

و همین الان چه کسی منکر اثرات حقیقی است که مبارزه فرانسه در تمام اروپا ایجاد مینماید؟ کیت است: آزاد مصلحتان دنیا که هنگامیکه از جنگجویان سلووی و طربون و بیو سار و کاپریلی بی سخن بیان میاید خون در عروق او بجوش یابد.

فردا: هنگامیکه شوروی اروپا مانند آتش فشانی منقرض میگردد، ایا ملت فرانسه در راس این شوروش نخواهد بود... پس فردا هنگامیکه سرنوشته اروپا و دنیا تبخیر میشود کیت که منکر این باشد که صدای ملت فرانسه در سرنوشته و آزادی ملت دنیا رساتر خواهد بود.

لدا ما امروز ایمان و یقین کامل داریم که فرانسه فردا غیر از فرانسه دیروز است همچنانکه این عبارت را ژنرال دوگل در آخرین نطق خود بیان نمود که ملت فرانسه بر اساس دیموکراسی و آزادی بیشتری که خود ملت آنرا اختیار نماید منتی خواهد بود. ما همچنانکه ملت فرانسه را دوست میداریم ملت انگلستان را نیز احترام میگذاریم زیرا با خود مانند هر ملت آزادیم و میخوانیم برای آزادی حقیقی قدم پیش بگذاریم و روزیکه پیروزی کامل را در آغوش بگیریم توده ای خاله بگداز

آگهی

بهای فروش پنج برای سال ۱۳۲۲ بشرح زیر تعیین میشود: تا آخر خرداد

در پنج خال دوره گرد دکاندار ۱۳ کیلو یک ری ۳ ریال ۶ ریال از اول تیر ماه بعد

چنانچه پنج خالی ها با دکاندار ها با دوره گرد ها از نرخ مقرر تجاوز نمایند طبق مقررات نقیب و در صورت انکار تخلف از ادامه کسب محروم خواهند شد.

ش ۲۰۹ شهر داری تهران

دست دارند با ما برید میکنند اما کسی نیست که قبح و زوری با هاشقان و دلیانگهان آزادی است (کف زدن حصار) آری پیروزی با ملت زیرا ما با ایمان و شهامت و متانت بجلو میرویم و مردم ستم دیده و روشن فکران و آزادخواهان حقیقی دست ما را ملحق میشوند و بر این قدرت ملی میافزایند.

حزب ما در خراسان چگونه تشکیل شد؟ پس از حادده شهریور تنی چند از آزادخواهان مشه بگر اجتماعات ملی افتادند در آبان ۳۲۰ روزنامه ادیبیشت را بنظور مبارزه با ارتجاع داخلی و بین المللی تالیس کردند. پس از انتشار ۳ شماره این روزنامه هتگی توفیق شد در اواخر آذر یکی از رفقای تهران ما بشبه آمد و رابطه رفقای مشهرا با حزب توده ایران در تهران برقرار کرد در طرف سه سنده دی و بیستم و اسفند چند تن از رفاقر فکر زمینه تشکیل حزب بودند و انتظار ورود یکی از رفقار از تهران داشتند که با دستورات جامع تشکیلات خودمان را توسعه بدیم. بینه دارد



### پنججاه و سه نفر

در باره اغلب متهمین این جله تکرار شده بود (نظر به فرمان موجوده در پرونده امر و اقرار صریح متهم ۱۰۰۰۰) ولی درباره کسانی که متهمین صوم آقای ف - ت نیز نتوانست بود (اقرار صریح) بگوید، تقریباً باین مسنون از مقدمات نتیجه گرفته بود (هر چند متهم اعتراف جرم متناسب را انکار کرده است ولی همین انکار یکی از دلایل معریت متهم بشمار می رود.)

روز ۲۶ مرداد ۱۳۱۷ روزتین وکیل بود و روز ۱۱ آبان ۱۳۱۷ اولین جلسه محاکمه پنجاه و سه نفر در محل دیوان جنائی تهران آغاز شد در این مدت چند روزی کافه و مداد و قلم و دوات برای زندانیان سیاسی دست پنجاه و سه نفر آزاد شده بود و ما حق داشتیم لایحه دفاعی خود را تهیه کنیم. قبلاً یک کتاب اصول محاکمات جزائی قاجاری وارد کرده زندان بودیم و این کتاب دست ما دست می گشت.

شب و روز اغلب افراد دست پنجاه و سه نفر صرف تهیه لایحه دفاعی میشد هر کس لایحه را بیل و طبق مدان خود تهیه میکرد یکی، بیشتر بآن جنبه قضائی مبادا دیگری سعی می کرد با منطق و استدلال قضات را متقاعد کند که بیگناه است سوی میخواست احساسات قضات را به نفع خود تحریک و جلب نماید. مختصر آنکه کلیه تفرات پنجاه و سه نفر با کلیه قوای خود میکوشیدند که با لایحه دفاعی خود را نجات دهند.

اینجا یک نکته قابل ملاحظه است. چطور ممکن است کسی با دیدن آن جلسه تعیین وکیل که در آن دو صاحب منصب شهرتانی رئیس استیانتاف و مدعی الصوم را مرعوب کرده و ثابت نموده بودند که در این معرکه دادگستری و عدالت زور شهرتانی حکمرانست نه قضات و عدالت قضات باین فکر ریخته که لایحه و دفاع نیز می توانست در تعیین سر نوشت آنها موثر باشد. باین سؤال چندین جواب می توان داد.

اولا دستگاه شهرتانی در شهر شروع به تبلیغات کرده بود و وزرای وقت نیز که در صدد خود را خوب بلد بودند و هر چه شهرتانی میگفت کور کوروا اطلاع می کردند، نیز به تمیست شهرتانی همین انتشارات را تکرار میکردند شهرتانی در شهر منتشر کرده بود که نظر اطمینان حاصل می نمودند از این محاکمه باید معلوم شود که بیگناه بوده و که گناهکار است البته گناهکاران مجازات خواهند شد و ما سارین که آلت بوده اند کسی کاری ندارد.

وزیر عدلیه یکی از کسان ما گفته بود: «معاکه بروگی که در ایران سابقه نداشته است» تمسک خواهد شد که وزیر عدلیه یکی از وکلای غیرین مطلب را بدین نحو تکرار کرده بود این وکیل دکتر آقاییان که در محاکمه پنجاه و سه نفر شجاعت بی نظیری بخرج داد، قبل از محاکمه پنجاه و سه نفر پیش وزیر عدلیه رفته بود و باو تذکر داده بود که «اگر محاکمه دستوری است، خوبست که مرا معذور بفرمایند» وزیر عدلیه در جواب گفته بود: «در این محاکمه باید معلوم شود که محاکمه قضیه چه بوده است»

شما آزادید و کاملاً متواکف از موکلین خود دفاع کنید. از این گذشته یکی دو تا از وکلاییکه برای ما از طرفی خود میکوشیدند بیگناهان بودند، برزنان آمده و ما حق داشتیم در حضور صاحبان زندان با آنها ملاقات کنیم و آنها برای اینکه از خانواده های ما بپوهای گرفته بودند و از جهت اینکه آنها نیز در تحت تاثیر تبلیغات شهرتانی قرار داشته، با وضع عالی میدادند.

### آگهی مناقصه

اداره مسئول کل کارپردازی وزارت دارائی بیکسکه چهارم جهت بالا کشیدن لاشه و طبق نمونه موجوده در کشتارگاه مرکز بنایف خریداری مینماید فروخته شده کس از ملاحظه نموده پیشنهاد خود را با مبلغ بیکهزار ریال وجه نقد بنام سیرده تا روز چهارم شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۱۷ بفرمایند اداره تسلیم و پرداخت دارنده پیشنهادات راسله در روز پنجمه ۲۳ مرداد ۱۳۱۷ ساعت قبل از ظهر باز و خواننده خواهد شد حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه مناقصه آزاد و اداره در درد و با قبول پیشنهادات متضرر خواهد بود رئیس اداره مسئول کل کار پردازی دارائی مصطفی ناصر

### آگهی مناقصه

اداره کار پردازی وزارت خوار بار مقدار پنجاه تن نخ قد از طریق مناقصه خریداری می نماید پیشنهادات باید تا آخر وقت اداری روز هفتم مرداد ۲۲ باضماف رسید متعوق مبلغ پنجاه و دو هزار ریال بنام سیرده بفرستد این اداره تسلیم نمایند پیشنهادات ساعت ده صبح نهم مرداد ۲۲ در دایره تهیه و خرید باز و قرائت خواهد شد حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه مناقصه آزاد و اداره در درد و یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار خواهد بود و به پیشنهادات بعدی بدون سیرده ترتیب داده نخواهد شد

۵۲ ش - ۲-۲ اداره کارپردازی

### آگهی مناقصه شماره (۱۶)

اداره کار پردازی وزارت پست و تلگراف و تلفن در حدود هشتصد و پنجاه عدد جعبه چوبی طبق نمونه و بنامدازه های مختلف بنایف خریداری می نماید داوطلبان در مناقصه قبلاً نمونه آنها را در دایره تهیه و رویت نموده و آخرین بهای پیشنهادی خود را در پاکت سر بسته مهوربناذکر این جمله در روی پاکت (راجم بنایف شماره ۱۶) بدایره دفتر این اداره تسلیم و قبل از نادن پیشنهاد مبلغ سه هزار ریال (۳۰۰۰) وجه نقد بتوان سیرده بفرستد دایره حسابداری پرداخته و قبض دریافت دارند پیشنهادات آخر وقت روز شنبه ۲ مرداد ساعت (۹) صبح در دایره تهیه باز و خواننده خواهد شد حضور پیشنهاد دهندگان در این مناقصه آزاد و اداره در درد قبول پیشنهادات مختار است

رئیس اداره کارپردازی وزارت پست و تلگراف و تلفن حسن علوی ۱۳۲ ش

### متن اذعاننامه دادستان

کنند اول مدعی الصوم بدایت پیش می شد و بایند بدست و پای من افتاد بیدمدعی الصوم استیانتاف یعنی ۳۰۰۰ ضربه شلاق پای من نخورد و بپای مدعی الصوم که باید بر سر من حاضر شود یک تا سزای قبیعی از یک نفر بر سر شهرتانی گمبایستی بر سر من بیفتد باید بین داده شد. نه بر سر من بیفتد باید بر سر من بیفتد زیر این استاد و درین اداره بوم دیگران هر کدام مطلع دکتر ایلیانس و معلم و غیره بوده اند هر قدر هم مقصر باشیم بالاخره ما ایرانی هستیم و حافظیت ما بر شهرتانی دولت واجب است حال سوال میشود در اعلان گریستی که این علت اعلان گریستی و چویدشتار عالی بوده که زندگانی را بر من مشکل وصال کرده و بیاضای من که در این موضوع مذاکرات بنام مرتب اثر داده نیشود در جای دیگر در جواب سوال میکوبد اکثریت اشخاص که اعلان گریستی کرده بودند من ترسو و زرد زبان با سابقه از من بوده اند اگر من چنین نفوذی داشته باشم که یک اشاره صد نفر استوار کرد و لیسانس و زندانی قبیعی را یک امر مشکل و مسئولیت دار مجبور خایه بجای آن داحت که ادهای بیوت کنم علت اینکه اینمده با هم شروع کرده اند اینست که همه در یک دیک بوده اند که زیر آن آتش شده و همه با هم فریاد سوخستیم سوخستیم کشیده اند -

۲ - گواهی و اظهارات ساده و بی آرایش مادر بیچاره و داغ دیدم دکتر ارانی حاکی از اینکه برای دادن دوات در تاریخی که دکتر در گریبدو بیارستان زندان مریض بوده به اداره زندان و همچنین به دکتر هاشمی در منزلش مراجعه کرده و دکتر نظیردین چنین اظهار داشت. چه مواظبتی - زینش چهار قاچ شده و امید به حیات او نیست و در متوفیات که فرزند خود را دیده بقدری جسدت تغییر کرده که فرزند خود را شناخت و به اداره زندان تلفون کرده که این مرده پسر من نباشد در جواب اظهار داشته اند که بگفتند دارد جان میکند او را هم می آورند به بند کدما یک از آنها بر سرش می اندازند - مادر پیر بوسه تلفون کرد سید احمد امای راخواست و پسرش را دکتر نامبرده ملاحظه نموده و به او گفته است همین جنازه دکتر ارانی پسر شماست (دکتر سید امای اظهارات مادر دکتر ارانی را در این قسمت در بازجویی تأیید نموده است)

۳ - گواهی و اظهارات هدهاز زندانیان که در سنوات ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ زندانی بوده اند از قبیل فضل الله گرجانی در صفحات ۱۴۹ و ۱۲۴ بازجویی و زولون در صفحات ۲۶ و ۲۵ بازجویی و رشید النوی در صفحات ۳۱ و ۳۰ بازجویی و نصرت الله اعزازی در صفحات ۳۵ و ۳۶ و ۳۸ و ۴۰ و محمد فرجلی در صفحات ۵۲ و ۵۳ و مهدی

۴ - گواهی و اظهارات ساده و بی آرایش مادر بیچاره و داغ دیدم دکتر ارانی حاکی از اینکه برای دادن دوات در تاریخی که دکتر در گریبدو بیارستان زندان مریض بوده به اداره زندان و همچنین به دکتر هاشمی در منزلش مراجعه کرده و دکتر نظیردین چنین اظهار داشت. چه مواظبتی - زینش چهار قاچ شده و امید به حیات او نیست و در متوفیات که فرزند خود را دیده بقدری جسدت تغییر کرده که فرزند خود را شناخت و به اداره زندان تلفون کرده که این مرده پسر من نباشد در جواب اظهار داشته اند که بگفتند دارد جان میکند او را هم می آورند به بند کدما یک از آنها بر سرش می اندازند - مادر پیر بوسه تلفون کرد سید احمد امای راخواست و پسرش را دکتر نامبرده ملاحظه نموده و به او گفته است همین جنازه دکتر ارانی پسر شماست (دکتر سید امای اظهارات مادر دکتر ارانی را در این قسمت در بازجویی تأیید نموده است)

۵ - گواهی و اظهارات ساده و بی آرایش مادر بیچاره و داغ دیدم دکتر ارانی حاکی از اینکه برای دادن دوات در تاریخی که دکتر در گریبدو بیارستان زندان مریض بوده به اداره زندان و همچنین به دکتر هاشمی در منزلش مراجعه کرده و دکتر نظیردین چنین اظهار داشت. چه مواظبتی - زینش چهار قاچ شده و امید به حیات او نیست و در متوفیات که فرزند خود را دیده بقدری جسدت تغییر کرده که فرزند خود را شناخت و به اداره زندان تلفون کرده که این مرده پسر من نباشد در جواب اظهار داشته اند که بگفتند دارد جان میکند او را هم می آورند به بند کدما یک از آنها بر سرش می اندازند - مادر پیر بوسه تلفون کرد سید احمد امای راخواست و پسرش را دکتر نامبرده ملاحظه نموده و به او گفته است همین جنازه دکتر ارانی پسر شماست (دکتر سید امای اظهارات مادر دکتر ارانی را در این قسمت در بازجویی تأیید نموده است)

۶ - گواهی و اظهارات ساده و بی آرایش مادر بیچاره و داغ دیدم دکتر ارانی حاکی از اینکه برای دادن دوات در تاریخی که دکتر در گریبدو بیارستان زندان مریض بوده به اداره زندان و همچنین به دکتر هاشمی در منزلش مراجعه کرده و دکتر نظیردین چنین اظهار داشت. چه مواظبتی - زینش چهار قاچ شده و امید به حیات او نیست و در متوفیات که فرزند خود را دیده بقدری جسدت تغییر کرده که فرزند خود را شناخت و به اداره زندان تلفون کرده که این مرده پسر من نباشد در جواب اظهار داشته اند که بگفتند دارد جان میکند او را هم می آورند به بند کدما یک از آنها بر سرش می اندازند - مادر پیر بوسه تلفون کرد سید احمد امای راخواست و پسرش را دکتر نامبرده ملاحظه نموده و به او گفته است همین جنازه دکتر ارانی پسر شماست (دکتر سید امای اظهارات مادر دکتر ارانی را در این قسمت در بازجویی تأیید نموده است)

۷ - گواهی و اظهارات ساده و بی آرایش مادر بیچاره و داغ دیدم دکتر ارانی حاکی از اینکه برای دادن دوات در تاریخی که دکتر در گریبدو بیارستان زندان مریض بوده به اداره زندان و همچنین به دکتر هاشمی در منزلش مراجعه کرده و دکتر نظیردین چنین اظهار داشت. چه مواظبتی - زینش چهار قاچ شده و امید به حیات او نیست و در متوفیات که فرزند خود را دیده بقدری جسدت تغییر کرده که فرزند خود را شناخت و به اداره زندان تلفون کرده که این مرده پسر من نباشد در جواب اظهار داشته اند که بگفتند دارد جان میکند او را هم می آورند به بند کدما یک از آنها بر سرش می اندازند - مادر پیر بوسه تلفون کرد سید احمد امای راخواست و پسرش را دکتر نامبرده ملاحظه نموده و به او گفته است همین جنازه دکتر ارانی پسر شماست (دکتر سید امای اظهارات مادر دکتر ارانی را در این قسمت در بازجویی تأیید نموده است)

۸ - گواهی و اظهارات ساده و بی آرایش مادر بیچاره و داغ دیدم دکتر ارانی حاکی از اینکه برای دادن دوات در تاریخی که دکتر در گریبدو بیارستان زندان مریض بوده به اداره زندان و همچنین به دکتر هاشمی در منزلش مراجعه کرده و دکتر نظیردین چنین اظهار داشت. چه مواظبتی - زینش چهار قاچ شده و امید به حیات او نیست و در متوفیات که فرزند خود را دیده بقدری جسدت تغییر کرده که فرزند خود را شناخت و به اداره زندان تلفون کرده که این مرده پسر من نباشد در جواب اظهار داشته اند که بگفتند دارد جان میکند او را هم می آورند به بند کدما یک از آنها بر سرش می اندازند - مادر پیر بوسه تلفون کرد سید احمد امای راخواست و پسرش را دکتر نامبرده ملاحظه نموده و به او گفته است همین جنازه دکتر ارانی پسر شماست (دکتر سید امای اظهارات مادر دکتر ارانی را در این قسمت در بازجویی تأیید نموده است)

۹ - گواهی و اظهارات ساده و بی آرایش مادر بیچاره و داغ دیدم دکتر ارانی حاکی از اینکه برای دادن دوات در تاریخی که دکتر در گریبدو بیارستان زندان مریض بوده به اداره زندان و همچنین به دکتر هاشمی در منزلش مراجعه کرده و دکتر نظیردین چنین اظهار داشت. چه مواظبتی - زینش چهار قاچ شده و امید به حیات او نیست و در متوفیات که فرزند خود را دیده بقدری جسدت تغییر کرده که فرزند خود را شناخت و به اداره زندان تلفون کرده که این مرده پسر من نباشد در جواب اظهار داشته اند که بگفتند دارد جان میکند او را هم می آورند به بند کدما یک از آنها بر سرش می اندازند - مادر پیر بوسه تلفون کرد سید احمد امای راخواست و پسرش را دکتر نامبرده ملاحظه نموده و به او گفته است همین جنازه دکتر ارانی پسر شماست (دکتر سید امای اظهارات مادر دکتر ارانی را در این قسمت در بازجویی تأیید نموده است)

۱۰ - گواهی و اظهارات ساده و بی آرایش مادر بیچاره و داغ دیدم دکتر ارانی حاکی از اینکه برای دادن دوات در تاریخی که دکتر در گریبدو بیارستان زندان مریض بوده به اداره زندان و همچنین به دکتر هاشمی در منزلش مراجعه کرده و دکتر نظیردین چنین اظهار داشت. چه مواظبتی - زینش چهار قاچ شده و امید به حیات او نیست و در متوفیات که فرزند خود را دیده بقدری جسدت تغییر کرده که فرزند خود را شناخت و به اداره زندان تلفون کرده که این مرده پسر من نباشد در جواب اظهار داشته اند که بگفتند دارد جان میکند او را هم می آورند به بند کدما یک از آنها بر سرش می اندازند - مادر پیر بوسه تلفون کرد سید احمد امای راخواست و پسرش را دکتر نامبرده ملاحظه نموده و به او گفته است همین جنازه دکتر ارانی پسر شماست (دکتر سید امای اظهارات مادر دکتر ارانی را در این قسمت در بازجویی تأیید نموده است)

۱۱ - گواهی و اظهارات ساده و بی آرایش مادر بیچاره و داغ دیدم دکتر ارانی حاکی از اینکه برای دادن دوات در تاریخی که دکتر در گریبدو بیارستان زندان مریض بوده به اداره زندان و همچنین به دکتر هاشمی در منزلش مراجعه کرده و دکتر نظیردین چنین اظهار داشت. چه مواظبتی - زینش چهار قاچ شده و امید به حیات او نیست و در متوفیات که فرزند خود را دیده بقدری جسدت تغییر کرده که فرزند خود را شناخت و به اداره زندان تلفون کرده که این مرده پسر من نباشد در جواب اظهار داشته اند که بگفتند دارد جان میکند او را هم می آورند به بند کدما یک از آنها بر سرش می اندازند - مادر پیر بوسه تلفون کرد سید احمد امای راخواست و پسرش را دکتر نامبرده ملاحظه نموده و به او گفته است همین جنازه دکتر ارانی پسر شماست (دکتر سید امای اظهارات مادر دکتر ارانی را در این قسمت در بازجویی تأیید نموده است)

۱۲ - گواهی و اظهارات ساده و بی آرایش مادر بیچاره و داغ دیدم دکتر ارانی حاکی از اینکه برای دادن دوات در تاریخی که دکتر در گریبدو بیارستان زندان مریض بوده به اداره زندان و همچنین به دکتر هاشمی در منزلش مراجعه کرده و دکتر نظیردین چنین اظهار داشت. چه مواظبتی - زینش چهار قاچ شده و امید به حیات او نیست و در متوفیات که فرزند خود را دیده بقدری جسدت تغییر کرده که فرزند خود را شناخت و به اداره زندان تلفون کرده که این مرده پسر من نباشد در جواب اظهار داشته اند که بگفتند دارد جان میکند او را هم می آورند به بند کدما یک از آنها بر سرش می اندازند - مادر پیر بوسه تلفون کرد سید احمد امای راخواست و پسرش را دکتر نامبرده ملاحظه نموده و به او گفته است همین جنازه دکتر ارانی پسر شماست (دکتر سید امای اظهارات مادر دکتر ارانی را در این قسمت در بازجویی تأیید نموده است)

۱۳ - گواهی و اظهارات ساده و بی آرایش مادر بیچاره و داغ دیدم دکتر ارانی حاکی از اینکه برای دادن دوات در تاریخی که دکتر در گریبدو بیارستان زندان مریض بوده به اداره زندان و همچنین به دکتر هاشمی در منزلش مراجعه کرده و دکتر نظیردین چنین اظهار داشت. چه مواظبتی - زینش چهار قاچ شده و امید به حیات او نیست و در متوفیات که فرزند خود را دیده بقدری جسدت تغییر کرده که فرزند خود را شناخت و به اداره زندان تلفون کرده که این مرده پسر من نباشد در جواب اظهار داشته اند که بگفتند دارد جان میکند او را هم می آورند به بند کدما یک از آنها بر سرش می اندازند - مادر پیر بوسه تلفون کرد سید احمد امای راخواست و پسرش را دکتر نامبرده ملاحظه نموده و به او گفته است همین جنازه دکتر ارانی پسر شماست (دکتر سید امای اظهارات مادر دکتر ارانی را در این قسمت در بازجویی تأیید نموده است)

۱۴ - گواهی و اظهارات ساده و بی آرایش مادر بیچاره و داغ دیدم دکتر ارانی حاکی از اینکه برای دادن دوات در تاریخی که دکتر در گریبدو بیارستان زندان مریض بوده به اداره زندان و همچنین به دکتر هاشمی در منزلش مراجعه کرده و دکتر نظیردین چنین اظهار داشت. چه مواظبتی - زینش چهار قاچ شده و امید به حیات او نیست و در متوفیات که فرزند خود را دیده بقدری جسدت تغییر کرده که فرزند خود را شناخت و به اداره زندان تلفون کرده که این مرده پسر من نباشد در جواب اظهار داشته اند که بگفتند دارد جان میکند او را هم می آورند به بند کدما یک از آنها بر سرش می اندازند - مادر پیر بوسه تلفون کرد سید احمد امای راخواست و پسرش را دکتر نامبرده ملاحظه نموده و به او گفته است همین جنازه دکتر ارانی پسر شماست (دکتر سید امای اظهارات مادر دکتر ارانی را در این قسمت در بازجویی تأیید نموده است)

۱۵ - گواهی و اظهارات ساده و بی آرایش مادر بیچاره و داغ دیدم دکتر ارانی حاکی از اینکه برای دادن دوات در تاریخی که دکتر در گریبدو بیارستان زندان مریض بوده به اداره زندان و همچنین به دکتر هاشمی در منزلش مراجعه کرده و دکتر نظیردین چنین اظهار داشت. چه مواظبتی - زینش چهار قاچ شده و امید به حیات او نیست و در متوفیات که فرزند خود را دیده بقدری جسدت تغییر کرده که فرزند خود را شناخت و به اداره زندان تلفون کرده که این مرده پسر من نباشد در جواب اظهار داشته اند که بگفتند دارد جان میکند او را هم می آورند به بند کدما یک از آنها بر سرش می اندازند - مادر پیر بوسه تلفون کرد سید احمد امای راخواست و پسرش را دکتر نامبرده ملاحظه نموده و به او گفته است همین جنازه دکتر ارانی پسر شماست (دکتر سید امای اظهارات مادر دکتر ارانی را در این قسمت در بازجویی تأیید نموده است)

را بازداشت کرده اند. و احیاناً اشطری علاوه بر اظهارات مزبور در صفحه ۱۰۵ میگویی - مدتها دکتر در این کربل بازداشت بوده و برای مدت کمی او را به کربلورهای شماره ۱۶ و ۱۷ انتقال دادند مجدداً دکتر را از اوایل بایم ۱۳۱۷ تا آخرین روزهای مرگش در همین اطاق ۲۸ کربلور ۳ بازداشت نموده اند و تا آخرین مدت بازداشت بدون لباس و بدون هیچگونه وسیله زندانی نبوده اند و در اطلاق قتل و پنجه اطلاق رهام گرفته بودند و بلا بوش بود و زینلوی مدرسی که مخصوص زندانیان است در زور نداشته و روی سنت میخوابیده است و در سال ۱۳۱۸ از فضای خارج محروم و دستور حسین نیرومند فضای خارج را گرفته ولی بدکتر نیده اند اردبیل او انسیان علاوه بر اظهارات بالا میگویی چنه بن مرتبه من خودم دیدم که فضای دکتر ارانی را پاسبان میخورد و حتی کراوات صدای پاسبان هارا میشنیدم ام که با یکدیگر در خصوص فضای دکتر ارانی مشاجره میکردند زولون پیش گفته علاوه میکند من خودم دکتر ارانی را لالت بدون پیراهن و لباس مشاهده کردم و من شکی ندارم که نیرومند به دستور مختاری ارانی را در نتیجه این اذیت و آزار و شکنجه ها کشته است و دستور قتل دکتر ارانی نیرومند مختاری است - تا تمام

### آگهی مناقصه

وزارت بازرگانی و پیشه و هنر یک دستگاه باتری جهت اتومبیل سواری سیستم یوک خریداری مینماید پیشنهاد دهندگان میتوانند پیشنهاد خود را باضماف دوپست ریال بفرستد تا تاریخ روز شنبه هفتم خرداد ۱۳۲۲ ساعت ۹ صبح باده کل نوظان واقع در خیابان غریب باستون تحویل نموده رسیده دریافت دارد پیشنهاد ها در ساعت ۱۰ صبح روز ۷ خرداد ۱۳۲۲ باز و خواننده خواهد شد وزارت دررد و قبول پیشنهادها مختار است حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه مناقصه آزاد است

۲۹۵ ش - ۱ وزیر بازرگانی و پیشه و هنر

### آگهی

نظر باینکه در نتیجه آزمایش که در مدت بیش از یکسال نسبت بصدور پروانه خرید تریاک بپهرستان تهران بجل آمده معلوم شده است صد زیادتی از متداین بواسطه تکرارهای بیسورد خود را معرفی نموده و بدرفتار پروانه شخصاً اقدام نکرده و بر عکس جناسی دیگر که احتیاط نداشته فقط بنظور استفاده اقدام به دریافت پروانه خرید تریاک نموده اند و منظور اصلی که تشخیص بصرف کنند واقعی و تحلیل مقدار مصرف بوده از این راه حاصل نشده است بنا بر این از تاریخ اول خرداد ماه ۱۳۲۲ صدوزیر واته خرید تریاک در شهرستان تهران حقوق و اشخاص متداین می توانند مثل پیش شبف فروش تریاک در شهرستان تریاک مورد احتیاج خود را خریداری نمایند

وزیر دارائی - بیات  
رئیس کل دارائی - میلیسو  
ش - ۲۸۸  
۲ - ۱

### آگهی مناقصه

دائرة مهندسی آماده گم اداری تهران تعمیر و تخلیه چاه های قنات حاسی آباد را بنایف واگذار می نماید اشخاصی که صلاحیت مالی و فنی داشته باشند میتوانند با مراجعه به شعبه ساختمان این دائرة (در قیصر آباد) و دریافت صورت ریز کار و برداشت چهار هزار ریال بنام سیرده پیشنهاد خود را تا ساعت ۱۲ روز سه شنبه ۲۴ و ۲ و ۱۳۲۲ بدفتر این اداره تسلیم و ساعت ۱۰ صبح روز چهارم شنبه ۲۵ و ۲ و ۱۳۲۲ بیکسیون منتفکه به پیشنهاد رسیده بررسی خواهد نمود حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه مناقصه آزاد و دائرة مهندسی هم در رد یا قبول پیشنهادها مختار میباشد

دائرة مهندسی آماده گم اداری مرکز  
ش - ۲۹۷

### آگهی استخدام

بنگاه راه آهن دولتی ایران نیازمند بدهای کارمند فنی برای کارخانجات بنتر شاه و بل سفید بشرح زیر میباشد:

راتنده لکتیو	۶۰ نفر	آتشکار	۶۰ نفر
مردیکساز	۶۲ نفر	دیگساز	۱۶ نفر
تراشکار	۶ نفر	تعمیر کار	۲۸ نفر
جوشکار	۴ نفر	حلی ساز	۳ نفر
سوهانکار	۱۰ نفر		

داوطلبان که واجد شرایط استخدامی باشند میتوانند با مدارک خود هم روزی باستانی روزهای تعطیل بین ساعت یازده و دوازده خود را به تست جرم معرفی نمایند

مدیر کل بنگاه راه آهن دولتی ایران  
ش - ۲۸۷



